



«**ریحانه موسوی** | یاتوق فیلم کوتاه انجمن سینمای جوانان مشهد با نمایش چهار فیلم «آرامگاه»، «تروستات»، «درجه ۰» و «نارس» برگزار شد. در این نشست که با پرسش و پاسخ همراه بود، محمدبرزوی، کارگردان و مشاور فیلم نامه انجمن سینمای جوانان مشهد، به نقد و بررسی چهار اثر یاد شده پرداخت.

● تلاش ناقص یک فیلم ساز برای ارائه اثری متفاوت

فیلم «تومست» ساخته روزبه اخوان، داستان زن و شوهر جوانی است که در فقر و تنگ دستی به سر می برند. مادر میبوی کارگران و مشاوران نام، درباره این فیلم با حاشیه به اینگونه، از فیلم ساز قصه را از آخر به اول روایت می کرد. اما داستان با سبب پهنتری از کار سر می آمد. گفت، در فیلم «فیلم خانم مسافر به همسر خود غمی زد، همسرش در میان خود را برداشت تا صدای غرغرای او را نشنود و آن زن می میرد. این قسمت نقطه اوج بالایی دارد. اما انتهای کار از آنجا که همزمان با پیشی تیزتر از نقطه اوج یابینی به پایان رسید. اما افزود، ما باید یک شروع کنیم و به اوج برسیم. این فیلم خسته کننده و ملال آور بود. کارگردانی می توانست از این ایده استفاده جذاب تر و شیرین تر ببرد. اما همان ابتدا دیده شود، فلان ساز سعی کرده بود کار متفاوتی انجام دهد اما تجربه آن را نداشت.

● داستانی قوی که می‌توانست پرداخت بهتری داشته باشد

فیلم «آرامگاه» اثر علی دارایی یک درام اجتماعی بود و پایان تراژدیک و تلخ داشت.

محمد برزویی بزرگ‌ترین حسن فیلم نامه این کار را شروع و جالب و خادار پر اوج آن دانست و بیان کرد: «کری فیلم ساز یک قلاب خود را همان ابتدا به ما انداخت. او گویا داستان را به یک بچه مردم و مادری است که به دلیل حضور ناچاقین همسر خود نمی‌تواند آن را دفن کند. داستان زنی که بچه خود را به قبرستان پست می‌کند، کنش ویژه‌ای دارد. اما فیلم ساز آن را حیف گرفت و می‌توانست بسیار بهتر باشد. وی بیان کرد: «طرف خوبی در کارگردانی وجود داشت. من هم این بود که بچه مردم را در کار نمی‌دید و وی دی‌کذاشت و روی باجه پست قرار داد. من حس کردم کار نمی‌دهی و دی‌نماد این است که خانواده‌ها به عنوان یک سحرآمیز به بچه نگاه می‌کنند، زیرا سه بچه دیگر نیز در محیط بازی می‌گردند».

مبنی بر این باب کرد. این فیلم هم درباره مرگ است و در آن همه چیز را با قلاب‌ها رِقاب پیچیده که ما را با قبر می‌اندازد. انتخاب این فیلم، از آنجاکه این کار را غلط انجام داده است، انتخاب این ظریف‌ترین بازیگری از نظر ظاهری درست بود. اما از ظریف‌ترین این فیلم استفاده نکرد. اینکه مادری فرزند خود را از دست بدهد و اما نتواند آن را در یک کمد موقعیت بسیار ویژه‌ای، به دست آورد، آن را از نمای نزدیک دیگری از بازیگر ندیدیم. ببینیم، قلاب‌های باز هم چندان بازی بدن خاصی از او می‌بینیم.

● تصویری از رؤیاهای انسان امروزی از دریچه تلویزیون

فیلم «دریچه» ساخته مجید ابراهیمیان، ژانری فانتزی است و می‌توان گفت رویاها و آرزوهای یک انسان امروزی که درگیر نیازهای غریزی ابتدایی خود شده را به تصویر کشید. به گفته فیلم سازان آن راحت تأثیر «بوف کور» صادق هدایت نوشته استاد، می‌آورد. انسان را به یاد «پیرمرد و دریاه» اثر هنرمنگوستی می‌اندازد. رویایی که می‌خواهد به آن برسد اما نمی‌رسد و تنزل پیدا می‌کند.

برزویی با بیان اینکه من این فیلم را دوست داشتم، دلیل آن را ارزان بودن این کار بیان کرد و افزود: حس کردم فیلم ساز با ظرفیت هایی که در اختیار داشته، فیلم جمع و جور و قابل درک، ساخته است.

ی‌وی با اشاره به اینکه در این اثر فانتزی درست اجرا شده است، توضیح داد: یکی از نمادهایی که در ژانر فانتزی ادبیات می‌آورند، این است که همیشه دریچه‌ای بین دو دنیا وجود دارد. در این فیلم دریچه‌ای که دقیقاً به اندازه قلاب تلویزیون بود، به خوبی نمایش داده شد و بازیگر سرکوبایی را طی کرانه‌ها به کاملاً متفاوتی و وجود داشت.

این منتقد سینما بر این نظر بود که کارگردان در انتخاب بازیگر بسیار بهتر می‌توانست عمل کند. او گفت: اگر مرز بین رؤیا و واقعیت برداشته می‌شد و دوباره به این سوی تلویزیون باز نمی‌گشت، پایان بهتری داشت.

● «نارس» اقتباسی ناقص از نمایشنامه شکسپیر

[illegible]

به باور او یک بازیگر تئاتری در وهله اول باید بیان درستی داشته باشد، اما بازیگر زن این فیلم اصلاً بلد نبود صحبت کند.

روی با اشاره به اینکه من چیزی از این فیلم متوجه نشدم، افزود: از ابتدای فیلم یک دوربین روی دست وجود داشت که در بعضی سکانس ها لازم بود، اما در بقیه فیلم استفاده از آن کار اشتباهی بود.

صحنہ ترک خوردہ تئاریک شہر

گفت و گو با هنرمندان مشهدی درباره وضعیت سالن و تماشاخانه های تئاتر مشهد



می‌کند. این، اتفاقی بسیار ارزشمند و دوست‌داشتنی است. اگر من جای مسئولان بودم، بابت این وضعیت باید عرق شرم می‌ریختم. نسل جدید هم هیچ وقت سالن استاندارد ندیده. برای همین، فکر می‌کند همین که هست، پذیرفتنی است. اگر سالن درست و حسابی دیده بود، می‌توانست تفاوت را بفهمد و انتظار بیشتری داشته باشد.

● شادی غفوریان، کارگردان تئاتر:

تعداد تماشاخانه های مشهد نسبتی
به جمعیت این شهر ندارد

مسئله ای در تئاتر مشهد خیلی به چشم می آید، کمبود سالن های نمایشی است و آن هم نسبت به



جمعیتی که در این شهر زندگی می‌کنند، مشهد ظرفیت زیادی دارد، اما وقتی به تعداد سالن ها نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که این تناسب وجود ندارد. درباره سالن های خصوصی، به توجّه به توان مالی هنرمندان و اینکه بودجه ها اغلب شخصی و از طریق وام یا مسیریهای دیگر تأمین می‌شود، طبیعتاً قدرت اجرایی شان به اندازه نهاد های دولتی نیست. برای حل این، نسبت به بضاعت ها، عملکرد خوبی داشته‌اند. اولین مسئله ای که هر گروه تئاتری با آن مواجه است، انتخاب سالن اجراست. اینکه کاری که بلیک باکس است یا نمایشی است که به صحنه نیاز دارد، باید در سه سالتی اجرا شود؛ در مشهد سالن هایی که ویژگی های مناسب برای اجرا دارند، با شنید، کم هستند. بعد از آن وارد بحث گرفتن تویت، دریافت مجوز از سالن های دولتی یا استفاده از امکانات حوزه هنری می‌شویم. اگر نتشد، ناچار می‌رویم به سمت سالن های خصوصی که طبیعتاً جاره شان بالاتر است و هنرمند با دفعه های کمی می‌تواند روبرو می‌شود. بعضی سالن ها نور مناسب برای یک اجرا ندارند یا ظرفیتشان برای کاری که طراحی شده، مناسب نیست. مثلاً اگر نمایشی با تماشاگر بالا طراحی شده باشد، اما سالن ظرفیت کافی نداشته باشد، طراح می‌شود، یکی از دلایل کمبود مخاطب اجرا. این است که مردم هنوز نمی‌دانند سالن های تئاتر مشهد کجا هستند. منظورم مخاطب حرفه ای تئاتر نیست، منظورم شهروند عادی است که می‌خواهد ببرد و یک تئاتر ببیند. این مسئله هم باز به کم بودن سالن ها برمی‌گردد. بعضی سالن ها نور مناسب برای یک اجرا را ندارند یا ظرفیتشان برای کاری که طراحی شده، مناسب نیست. مثلاً اگر نمایشی با تماشاگر بالا طراحی شده باشد، اما سالن ظرفیت کافی نداشته باشد، اجرا طلمه می‌خورد. مشهد شهری عجیب است، پراز استعداد و ظرفیت، اما هم‌ان‌اندازه پراز شکاف. در حوزه زیرساخت، آموزش و... این تعارض ها باعث می‌شود با وجود استعداد های بی نظیر، مسیر تئاتر در شهر سخت و پرفراز و نشیب باشد. مثلاً، سالنی که شهرداری قرار بده سازد، هم‌هاست که فقط عکس های از کلنگ زنی اجرا دیده ایم. یا سالن اصلی تئاتر شهر در پارک ملت که به تازگی بازسازی شده. البته به نظر می‌رسد مدیریت جدید نگاهی رو به رشد دارد، ولی با هم نمی‌توان آرامنی فکر کرد. فقط امیدواریم از همین امکانات موجود، به بهترین شکل ممکن استفاده شود.

● **مصطفی نصیری، کارگردان تئاتر:**

جایگزینی برای سالن های تخریب شده نداشتیم

در بیشتر سالن‌های مشهد، نور صحنه تنها برای «حداقل روشنایی» کفایت می‌کند؛ کیفیت و تنوع در نورپردازی، همچون نور فاله یا خطوط نور مستقل



برای میزانشنن های خاص، در اکثر سالن های شهر موجود نیست. در یکی از اجراهای حتی پنج سالن حین نمایش قطع شده و فایز پریده، اما سالن در دولتی همچنان تهیه سالن را ریزه خوار مطالعه کرده است. در حال حاضر تهرانیان دولتی قابل استفاده، سالن حوزه هنری است. این در حالی است که سالن «اشراق» یکی از سالن های خوب گذشته بود که تخریب شده و چیزی جایگزین آن نشده است. سالن های خصوصی در مشهد با وجود داشتن حمایت خاص، با راسل اجراهای را بدوش می کشند. شاید تلخ ترین بخش این روایت، جمله ای است که هنرمندان از زبان برخی مسئولان فرهنگی شنیده اند که اگر سالن ای گونه باشد، اصلاً بهتر است تأثیر برگزار نشود، جمله ای که در تضاد کامل با روح تئاتر، به عنوان هنری نژدی و جریان سالن، به روش پاده هاگروه فعال تئاتر، ده نامنا پشنامه نویسی. بازیگر، طراح و کارگردان مستعد، همچنان درگیر انبوهی ترین مسائل زیرساختی است؛ از کمبود دوام و نقد گرفته تا برخورد های فرامشی. آیا قرار است سالن قفل تئاتر ایران، همچنان در تاریک بماند؟

و شن نباشد»؛ این جمله شاید به ظاهر

تئاتر خوابیده است. در روزگاری که هرزبه ها هر روز بیشتر از دیروز می شود. مردم می کنند. از کیفیت پایین صدا و نور نیز دست به دست هم داده تا اجرای باشد. در این میان، کارگردانی که گاهی به راحتی بازمی شود. بازیگرانی ندایی سالن ها می شوند. بحث فقط حمایت نشده و صدای اعتراضی نن از هنرمندان تئاتر همراه شدیم که

رومينا مالوفا «پرده بالانمی رود»

ساده باشد، اما پشت آن رنج بی پایان سالن های خصوصی با چنگ و دندان و سالیان درازی دلتا با آسیب های جانی و امکانات ابتدایی مانند آبدارخانه ها که نه یک فرد اندازی، بلکه یک فردی فرسایشی اثری مستقل و صحنه میاورند. با دهرهای بی شان را صرف جان بخشیدن به نقش یک خصوصی و دولتی نیست؛ مسئله، فرسودگی و بی برنامه های رسمی گم می شود. در این شب شناسانه درباره وضعیت سالن های حرفه می نگرم، نه صرفا یک علاقه یافتن؛ یک شکل اصلی است، نه یک فعالیت ای از افراد نیز مانند من به این حرفه نگاه. اقیانوس این است که بودجه هایی که در اختیار فرهنگ تعریف می شود، معمولاً اختصاص دارد، نه به یک چیز سالن های مدرن که در خواست کنیم، این ساختار بیگانه ای نیست که تغییر یابد.

• مداح حسینی، منتقد تئاتر:

تأثیر درهمه جای دنیا از حمایت های دولتی برخوردار است



تاثرات در همه جای دنیا به ویژه در کشورهای با اقتصاد لیبرال مانند برخی کشورهای اروپایی یا آمریکای شمالی از حمایت های دولتی برخوردار است. این حمایت ها دلایل مشخص دارند؛ مهم ترینشان کاهش فشار معیشتی از دوش سالن داران است تا بتوانند بر کیفیت اثر تمرکز کنند. گر سالن ها حمایت نشوند، نگهداری و ترمیم آن را بسیار دشوار می شود. سالن های تئاتر با حضور مداوم مردم روبه رو هستند، در نتیجه به سرعت فرسوده می شوند. از همین رو در تمام نظام های اقتصادی، اعزام از لیبرال یا سوسیال دموکرات، حمایت دولتی از زیرساخت های تئاتری پیش فرضی الزامی است. در ایران، دولت تهران در مقطعی محدود بودجه هایی برای زنده نگه داشتن سالن ها اختصاص می دهد یا حمایت هایی جزئی مانند معافیت های مالیاتی اعمال می کند. این در حالی است که ایجاد و بهره برداری از یک سالن تئاتر، نیازمند زیرساخت های جدی است. جایه جایی مناسب در شهر، دسترسی به حمل و نقل عمومی و فراهم سازی آسایش مخاطب، در مشهد تنها چند سالن خصوصی و یکی دو سالن دولتی فعال اند. با اینکه تعداد سالن های تئاتر بسیار بیشتر است، اما مدیریت کارآمد، فقدان برنامه ریزی بلندمدت، و آمادگی نداشتن برای اجرای نمایش، بسیاری از این سالن ها را بلااستفاده یا در وضعیت نیمه فعال نگه داشته است. نمونه های قابل ذکر، سالن های هلال احمر (که روزگاری یکی از مهم ترین سالن های کشور بود)، هاشمی نژاد، فرهنگسرای غدیر، سالن شوراسیمای کنار باغ می هستند. اکنون مدیریت سالن ها کاملاً فردی است. سالن دارها باید به تنهایی تمام مسائل مربوط به نظافت، ایمنی، امور اداری، مالیات و... را برعهده بگیرند. هر سالن با مشکلات خوددست و پنجه نرم می کند. یکی از جدی ترین مشکلات، وضعیت نامناسب صندلی ها است. در بسیاری از سالن ها پشت صحنه مطابق اصول مهندسی تئاتر طراحی نشده است. امکاناتی مانند ورودی و خروجی مناسب برای دکور و وسایل نقلیه، فضای بهداشتی برای بازیگران و تماشاگران، سیستم های صوتی و نوری مناسب، تهویه، گرمایش و سرمایش، یا وجود ندارد یا معیوب است. مجموعه تئاتر شهر مشهد که باید بهترین نمایشی این شهر باشد، امروز با مشکلات جدی در سیستم گرمایش و سرمایش و ضعف زیرساخت های فنی مواجه است. در حالی است که ترمیم و نگهداری سالن ها هرچیز نیست، اما بسیاری حتی در تأمین هزینه های جاری خود هم درمانده اند. از یک سو سالن دار موظف به تأمین هزینه ها است، از سوی دیگر مخاطب و گروه اجرایی خواهان امکانات حداقلی اند. نتیجه، چرخه ای ناقص و فرسایشی است. در همه جای دنیا، نهادهای فرهنگی وظیفه دارند با توزیع عادلانه امکانات و حمایت از ساختارهای خصوصی، این چرخه را تکمیل کنند. اما در ایران، قوانین ناکارآمد و سدهای فرهنگی و اقتصادی، راه را بر بخش خصوصی بسته اند. وقتی رقابت بین بیرون، خلاقیت نیز خاموش می شود. قوانین و سیاست های فرهنگی ما با قدیمی اند، با غیرشفاف و ناکارآمد. این ساختار به بازنگری، گفت و گو و جمع بندی، مشارکت کارشناسان و اصلاح قانونی نیاز دارد. ساختار، حمایت، امروز ما ناقص است. گاهی یک مدیر دلسوس

● کیوان صباغ، کارگردان تئاتر:

سالن های کم، تقاضای بالا؛
معادله ای نابرابر در تئاتر مشهد است



بزرگ‌ترین مشکلی که در مشهد بان روبه‌رو هستیم، کمبود فضای نمایشی است؛ به‌گونه‌ای که میزان استقبال مخاطب با تعداد سالن‌های موجود تطبیقت نداشته و عرضه و تقاضا هم‌خوانی ندارد. هرگروهی که قصد اجرای تئاتر دارد، ناگزیر است ماه‌ها صرف انتظار بماند تا نوبت استفاده از سالن‌های نمایشی چه دولتی و چه خصوصی به آن برسد. این موضوع به مرور باعث فرسایش گروه‌های نمایشی می‌شود، چراکه امکان زمان‌بندی دقیق برای اجرای خود ندارد و باید از چندین ماه پیش برای دریافت نوبت اقدام کنند. در سال‌های اخیر، برخی مؤسسات خصوصی مانند تماشاخانه «کرپن» به راه‌اندازی سالن‌های نمایشی اقدام کرده‌اند، اما این سالن‌ها به‌زبان به تعداد کافی نیستند. در مجموع، تنها سه یا چهار سالن خصوصی در مشهد فعالیت می‌کنند و سایر سالن‌ها دولتی‌اند. از آنجاکه تمام سالن‌های خصوصی به صورت اجاره‌ای در اختیار گروه‌ها قرار می‌گیرند، نوسرمدان ناچارند در هر روز دو یا سه نمایش در ادراک می‌کنند. این امر باعث می‌شود که نمایش‌ها در

تاری مجبور شوند طریقی دیگر و صحنه‌آرایی خود بسیار ساده در نظر بگیرند تا گروه‌های بعدی نیز بتوانند از سالن استفاده کنند. از طرفی، امکانات تئاتر آفرای سالن‌ها نیز پاسخ‌گوی اجرای هم‌زمان چند نمایش نیست. هرچند برخی سالن‌ها در نظر دارند، تعداد نمایش هستند و تعداد اتاق‌های گرم‌بیشتری دارند. در تهران با کم‌ترین چالش‌هایی روبه‌رو هستند. در تهران هم‌زمان به‌مراتب گسترده‌تر از مشهد است. نکته مهم در این شهر به‌نام تماشاگران این است که هنگام نمایش در فضای مناسب از نظر تهویه، سرمایش گرمایش روبه‌رو شوند تا بتوانند در آرامش نمایش دنبال کنند. دوم، راحتی صندلی‌هاست، چراکه تماشاگران ممکن است از ساعت ۱۰ صبح در سالن حضور داشته باشند و اگر صندلی‌ها یک‌دست، چسبیده و هم‌زمان مناسب نباشد، ارتباط او با نمایش قطع خواهد شد. امکانات موجود در سالن تأثیر زیادی بر کیفیت اجرا دارد. برخی سالن‌ها دارای سقف‌های کوتاه و بلند و امکان مناسبی برای تماشاگر دارند و به‌رای گروه‌های تئاتری؛ به‌گونه‌ای که هم گروه‌ها در تماشاگر قرار می‌گیرند و هم تماشاگران. باوجود همه این‌ها، تلاش‌ها را آنجا که سالن‌ها از هیچ‌نهادی حمایت نمی‌کنند، می‌توان انتظار زیادی داشت. همین‌که به‌شهرهای گوناگون، بخشی خصوصی چنین فضاهایی ایجاد شده، چراغ تئاتر روشن مانده و برنامه‌های نمایشی در حال اجراست، جای تقدیر و تشکر دارد. این اقدام بسیار بزرگ است و هر کسی از عهده آن برنمی‌آید. مهم‌ترین فعالیت‌های نمایشی، در جایگاه دوم قرار دارد و ابل مقایسه با شهرهایی چون شیراز، نیشابور، اصفهان تبریز نیست. هرچند ممکن است برخی از این شهرها سالن‌های دولتی بیشتری در اختیار داشته باشند برای نمونه، تبریز دو سالن آید. این درحالی‌است که در مشهد نظر تعداد نمایش‌هایی که در طول سال در مشهد جرایم شود، و حتی از حیث کیفیت آثار، مشهد پس از تهران مقام دوم را داراست. میزان استقبال مخاطبان تئاتر در مشهد نیز تمام‌استان‌ها و دیگر مخاطبان تئاتر کشور بیشتر است. چنانچه بخواهیم فراتر از چالش‌های متعددی روبه‌رو هستیم. یکی از این مسائل، بروکراسی اداری حاکم بر روند دریافت مجوزهای تئاتر است. مشهد، مجوزها به‌صورت هفتگی یا حتی روزبه‌روز تمدید می‌شوند. این در حالی‌است که بسیاری از شهرهای دیگر، در صورتی که شورای نظارت آثار تئاتر تأیید کرده باشد، مجوزها بر اساس درخواست مردم و شورای دو ماه متوالی صادر می‌شوند. این حال، بروکراسی‌های نظارت بر نمایش در مشهد، همسویی قابل توجهی با گروه‌های نمایشی دارد و همواره سعی در حمایت از آن‌ها داشته است. اکنون هیچ‌گونه مشکل یا چالش‌هایی میان گروه‌های تئاتری و شورای نظارت در مشهد وجود نیامده و این امر به‌نام عنوان نهادی همراه، نقش مؤثری در حمایت تئاتر ایفا کرده است. از سوی دیگر، دستگاه ارشاد نیز تئاتر بروکراسی پیچیده‌ای همراه است که البته این امر ناشی از شرایطی شهر مشهد است. ما در شهری زندگی می‌کنیم که ویژگی‌ها و اقتضات آن با دیگر شهرها متفاوت است و با این تفاوت را پذیرفت. می‌توان انتظار داشت که مشهد مانند اصفهان یا تبریز عمل کند. هرچند هفتگی یا چند ماهی در مشهد محدودیت تابعی وجود دارد و در سایر شهرها دیده نمی‌شود. من شخصاً تئاتر را